

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

«ان قلت نعم ولكن الامر يستقل بقبح الإقدام علي ما لا تؤمن مفسدة و أنّه كالأقدام علي ما عُلِمُ مفسدة».

خلاصه جلسه گذشته

مرحوم آخوند فرمودند: واجبات و محرمات به ملاکات ضرر و منفعت نیست؛ بلکه به ملاک مصلحت و مفسده است و نتیجه گرفتند که در شبهات وجوبیه که ما احتمال وجوب را می دهیم، احتمال وجوب مساوق با احتمال منفعت نیست و در شبهات تحریمی که احتمال حرمت را می دهیم، احتمال حرمت مساوق با احتمال ضرر نیست.

بنابراین آنهایی که بخواهند به قاعده وجوب دفع ضرر محتمل تمسک کنند، هم از راه کبری مورد خدشه قرار دادند و هم از راه صغری مورد خدشه قرار دادند.

اشکال: مستشکل می گوید: ما قبول می کنیم احتمال حرمت مستلزم احتمال ضرر نیست و لکن این را که شما قبول دارید که احتمال حرمت ملازم با احتمال مفسده است. یعنی جایی که انسان احتمال حرمت می دهد، احتمال وقوع در مفسده را هم می دهد و همانطوری که عقل در مواردی که علم به مفسده وجود دارد، انسان را از وقوع در مفسده باز می دارد، در مواردی که احتمال مفسده باشد، عقل چنین حکمی می کند.

به عبارت دیگر مستشکل می گوید: همانطوری که در موارد ضرر عقل دفع ضرر محتمل را واجب می دانست، عقل در موارد مفسده، دفع مفسده محتمل را واجب می داند؛ همانطوری که دفع مفسده یقینه را واجب می داند. همانطوری که آنجایی که انسان عمل دارد به اینکه عملی سبب وقوع در مفسده است، عقل می گوید: این عمل را انجام ندهید و در مواردی که احتمال وقوع در مفسده باشد، عقل چنین حکمی را دارد.

بعد مستشکل در آخر مطلب استشهاد می کند به کلام شیخ طوسی علی الله مقام الشریف که شیخ طوسی در مورد افعالی که از ناحیه شرع حکمی برای آنها صادر نشده است، فرموده است باید قائل به منع بشویم و یا توقف کنیم. بحث مفصل این کلام شیخ طوسی را مرحوم آخوند مفصلاً بیان می کند. شیخ در افعال غیر ضروری قبل از شرع و وقتی شک کنیم که چه حکمی دارد و وجوب حرمت دارد یا ندارد؟ آنجا فرموده است که عقل مستقلاً حکم به منع می کند یا فرموده توقف کنید.

مرحوم شیخ طوسی هم در مواردی که احتمال مفسده وجود دارد، قبول دارد که عقل مستقلاً حکم می کند به اینکه انسان باید دفع مفسده محتمله را داشته باشد.

جواب: مرحوم آخوند در مقام پاسخ می‌فرماید: این را قبول نداریم. ما قبول داریم در موردی که انسان عمل به مفسده دارد عقل دفع مفسده یقینی را واجب می‌داند. اما در موردی که احتمال مفسده می‌دهد، ما قبول نداریم که عقل استقلالاً حکم به دفع مفسده محتمله می‌کند و می‌گوید مفسده محتمله مثل مفسده یقینه است. این را نمی‌پذیریم.

مرحوم آخوند شاهد می‌آورند و می‌فرماید در تمام این مواردی که شارع حکم به اباحه کرده است و ترخیص در ارتکاب عمل داده است، در این موارد احتمال وقوع به مفسده وجود دارد و خود شارع با وجود احتمال مفسده، حکم به ترخیص کرده است و شارع با حکم مستقل به عقل مخالفت کرده است. عقل اگر استقلالاً حکم کند که دفع مفسده محتمله واجب است، شارع هم نمی‌تواند حکم به ترخیص کند. حیث اینکه شارع حکم به ترخیص کرده است.

در چنین مواردی کشف از این می‌کند که عقل استقلال به این حکم ندارد. بلکه عقل آنجایی که انسان علم به مفسده دارد، استقلالاً می‌گوید: دفع آن واجب است و احتمال به مفسده می‌دهد، هرگز چنین حکمی ندارد و یک فتاوا دارد که آن را توضیح می‌دهیم. همان شاری که مصحلت مهم تری را در نظر می‌گیرد، عقل هم باید آن را در نظر بگیرد و فرض کنید در مفسده روشن، اگر در موردی احتمال وقوع مفسده را بدهیم، عقل اینجا استقلال و کاری به اهم نداشته باشد بی‌معنا است.

مرحوم آخوند این را ادعا می‌کند که وجداناً احتمال وقوع در مفسده را بدهیم، عقل حکم وجوب به دفع ندارد و وجداناً همینطور است و عقلاً خیلی کار انجام می‌دهند با احتمال وقوع به مفسده که کارشان سفیه و غیر عقلایی نیست و مانعی ندارد.

در ابطال قاعده چند مورد نقض آوردیم و لکن نباید فراموش کرد، در مواردی که مفسده مهم باشد ولو احتمال ضعیف باشد و محتمل قوی باشد، آنجا عقلاً همین کاری است که شما می‌گویید انجام می‌دهند؛ اما نمی‌توانیم کبری کلی بسازیم. آنی که مستشکل می‌گوید در مقابل مرحوم آخوند، در مطلق شبهات هر جا شبهه تحریمیه بود، احتمال مفسده است و عقل می‌گوید دفع آن واجب است و کلی این را می‌خواهیم از بین ببریم.

در موارد خاص استثناء است و امر نمی‌کند و در مواردی است که احتمال وقوع در مفسده است و الان نمی‌دانیم شرب توتون حرام است و شاید مفسده داشته باشد و مع ذلک شارع با کل شیء لک حلال می‌گوید که می‌توانید مرتکب شوید و مانعی ندارد از هر بابی باشد بالاخره شما موردی را یافتید که شارع ترخیص داده است. یعنی در موردی که احتمال مفسده را می‌دهیم و شارع می‌گوید مرتکب بشوید. نمی‌توانیم بگوییم عقل استدلال به این حکم دارد و شارع نمی‌تواند با احکام مستقل عقلی مخالفت کند. شارع به عنوان اینکه خودش خالق العقل است با احکام مستقله عقلی مخالفت نمی‌کند. همینکه شارع و لو در یک مورد حکم به ترخیص کند کافی است که بگوییم عقل استقلال به این حکم ندارد.

ادله و کلمات اخباریین

در مقابل اصولیین اخباریین در موارد شبهات قائل به احتیاط هستند و به قرآن و سنت و عقل استدلال کرده اند. از اجماع صحبتی نکرده اند چون مثل اصولیین قابل خدشه بوده است.

اولین دلیل کتاب

در قرآن آیه ایست که دلالت می‌کند باید در شبهات توقف کرد و مثل آیه شریفه: «لا تقف ما لیس لک به علم» در مواردی که نمی‌دانید توقف کنید. در مواردی که ما شک داریم که شبهه تحریمیه حلال است یا حرام، اگر بخواهیم ارتکاب کنیم، تبعیت به غیر علم می‌شود که شارع از آن نهی کرده است و باید احتیاط کنیم.

دلیل دوم: آیاتی که دلالت دارد بر حرمت القاء در هلاکت «ولا تلقوا بأيديكم الي تهلكة» در شبهات اگر انسان ارتکاب پیدا کند، این القاء در هلاکت است.

دلیل سوم این آیات آمره به تقواست: «اتقوا الله» حق قاطع امر می فرماید: خداوند به تقوا آن هم تقوایی که باید انسان واقعاً سزاوار است که داشته باشد و تقوا و حق تقوا اقتضاء می کند، در مواردی که شک داریم و در موارد شبهه احتیاط کنیم.

اشکال مرحوم آخوند

مرحوم آخوند پاسخ می دهند: از دلیل اول می فرمایند: زمانی که ما آمديم ادله نقلیه بر براءة انتخاب کردیم. ادله عقلیه بر براءة اقامه کردیم و با وجود دلیل عقلی و نقلی مجالی برای آیات باقی نمی ماند و در شرب توتون می گوئیم ارتکاب جایز است و تبعیت به غیر علم نیست، اقتحام در هلاک نیست و شارع مقدس با حدیث رفع و احادیث دیگر و ادله براءة می گوید: ارتکاب جایز است و القاء در هلاک نیست و مخالفت با تقوا ندارد و مسئله روشن است و این جواب از آیات است.

دلیل دوم روایات

در روایات دو دسته روایت وجود دارد:

دسته اول دال بر وجوب توقف و دسته دوم دال بر وجوب احتیاط است. این روایات مضامین مختلفی دارد، مثل: «الوقوف عند الشبهات خیر من الاقتحام فی الهلکات»، به دلالت مطابقی دلالت بر این می کند که در شبهات باید توقف کرد و احتیاط نمود نه اینکه براءة را جاری کرد. در دسته دوم روایات احتیاط مثل: «اخوک دینک فاحتط لدینک» دستور به احتیاط می دهد.

اشکال مرحوم آخوند

در مورد دسته اول می فرمایند: با وجود روایات براءة و حکم شارع به اباحه و براءة اقتحام در هلاک نخواهد بود. در مورد روایات دسته دوم دو پاسخ می دهد: اول اینکه بر فرض تمامیت روایات احتیاط با روایات دال بر اباحه تعارض می کند، در باب تعارض این نکته واضح است که نص بر ظاهر مقدم است. روایات اباحه مثل کل شیء حلال نص در اباحه است و روایات احتیاط مثل احتط لدینک امر است و ظهور در وجوب احتیاط دارد و توانایی تعارض با نص را ندارد. جواب دوم این است که اخبار احتیاط ارشادی هستند و قرائنی داریم که دال بر این نکته است و امر ارشادی لزوم عمل ندارد.

نکته: اخبار احتیاط اگر تمام باشد وارد بر قبیح عقاب بلا بیان خواهد بود، چون بیان است و دیگر عقاب در موردش قبیح نیست، ولی اخبار براءة حاکم بر این اخبار است و مقدم است یا به حکومت یا به اظهریت.

توضیح عبارت

«ان قلت نعم» یعنی قبول داریم احتمال حرمت ملازم با احتمال ضرر نیست، «ولکن العقل یستقل بقبح الاقدام علی ما لا تومن مفسده» عقل حکم می کند که اقدام بر چیزی که ایمن از مفسده او نیست، قبیح است. «ما لا تومن» محتمل مفسده یعنی مفسده آن احتمالی باشد. عقل حکم می کند به قبح مفسده احتمالی «و انه کلاقدام علی ما علم مفسده».

مستشکل می گوید: از نظر عقل بین مفسده محتمله و مفسده یقینه فرقی وجود ندارد، «و انه مفسده محتمله کلاقدام علی ما علم

مفسده» مثل اقدام بر مفسده معلومه است، «كما استدل به» يعني به اين اقدام بر مفسده محتمله «شيخ قدس سره علي ان الاشياء على الحظر او الوقف» مرحوم شيخ طوسي نسبت به افعال دو، سه قيد دارد كه به محل خودش مي رسيم، افعال غير ضروريه قبل از شرع وقتي حكمش براي ما مشخص نشده باشد، اين افعال يا بايد حكم به منع كنيم يا بر آن توقف كنيم.

از شيخ مي پرسيم چرا مي گوييد اقدام بر مفسده محتمله عقلاً جايز نيست. «قلت» مرحوم آخوند مي فرمايد: ما قبول نداريم، «استقلال بذلك ممنوع» استقلال عقل به اين حكم يعني به قبح به ذلك يعني به قبح اقدام بر مفسده محتمله ممنوع است. «و السند شهادت الوجدان» دليل ما وجدان است و مراجعه روش عقلا از اهل ملل و اهل اديان است «و حيث انهم» عقلا «لا يحترزون ما لا تؤمن مفسدته» از مفسده محتمله احتراز نمي كند «ولا يعالمن معه معامله» نمي كند معه يعني معه ما لا تؤمن مفسدته، لا يعالمن معامله علم مفسدته معامله معلوم المفسده را نمي كند و شاهد مي آورد.

مرحوم آخوند مي فرمايد: چگونه شما مي فرماييد كه عقلاً با محتمل المفسده همان معامله معلوم المفسده را كنند كه حال «قد اذن الشارع» و شارع اذن داده «بالاقدام عليه»، عليه يعني بر محتمل المفسده و شارع اجازه داده است كه در تمام موارد، براءت احتمال وقوع بر مفسده است و احتمال مي دهد كه حرام باشد و شارع ترخيص داده است «و لا يكاد يأذن بارتكاب القبيح» شارع نمي تواند اذن دهد كه ارتكاب آنچه عقل مستقلاً قبح به ارتكاب آن مي كند و ارتكاب قبيح شارع اجازه نمي دهد.

«فامل» را مختلف معنا کرده اند يك معنای خوبی كه براي آن در حواشي آمده است. اگر شما بخواهيد ترخيص شارع را ضميمه كنيد از دليل عقلي خارج مي شود و شما داريد دليل عقلي را مي خوانيد كه عقل مستقلاً و نتيجه اين مي شود كه در مواردی كه شارع ترخيص داده است شارع حكم به قبح نمي كند. به عبارت اخري يمكن ان يقال كه حكم عقل معلق باشد بر عدم ترخيص شارع و عقل مي گويد در مواردی كه احتمال مفسده را مي دهيد، مي گويم كار را ادغام نكن و شارع ترخيص در ارتكاب نداده باشد و اگر داد اشكالي ندارد.

اگر بيايم اين قيد را ضميمه كنيم، استقلال عقلاً از بين مي رود و ما داريم دليل عقلي را براي حكم به براءت مي خوانيم. اين در صورتی است كه از اول حكم عقل را مقيد كنيم، عقل مي گويد: عقاب بر محتمل قبيح است و موضوعش از بين مي رود. عقل مي گويد: من قبح را مي آورم در مواردی كه ترخيص نباشد و ورود دارد.

«و احتج للقول بوجوب الاحتياط في ما لم تقم فيه حجة» وجوب احتياط در مورد حجتی قائل نشده باشد، احتجاج شده است، «بادلة الثلاثة اما الكتاب» به سه دسته از آيات ناهيه از قول به غير علم ما ليس لك به علم «و عن الالقاء» لا تلقوا بايدكم الي تهلكة «و الامر بالتقوي» تقوا اقتضا مي كند كه آجا كه انسان حرمت چیزی را داد احتياط كند و اين را قبل از اينكه پاسخ آيات را بخوانيم به رسائل مراجعه فرماييم ما در شبهات موضوعيه بين اخباري ها و اصولي ها اختلافی وجود ندارد.

معظم اخباري ها در شبهات موضوعيه مانند اصوليها قائل به براءت است. چه شبهات موضوعيه وجوبيه و چه شبهات موضوعيه تحريميه باشد. مي آييم سراغ شبهات حكميه در شبهات حكميه عمده اختلاف بين اخباري ها و اصولي ها در شبهه حكميه تحريميه است، اما در شبهه حكميه وجوبيه كلمات اخباري ها مختلف است، چه بسا استفاده شود كه اشهر بر طبق آنچه عنايت الاصول نقل کرده است در بين اخباري اين است كه در شبهات وجوبيه احتياط واجب نيست و در شبهات وجوبيه اخباري ها مانند اصولي ها باشد. لذا عمده اختلاف بين اخباري ها و اصولي ها در شبهات تحريميه حكميه است و اينها قائل به وجوب احتياط هستند و اصولي ها قائل به براءت هستند.

«و الجواب ان القول بالاباحة شرعاً» قول به اباحه شرعيه «و بالامن من العقوبة عقلاً» اباحه شرعيه را همان كل شي لك حلال مي گويد: امن از عقوبت عقلاً قبح عقاب بلا بيان و اين «ليس قولاً بغير علم» و اين قول به بغير علم نيست كه بگوييد آيات ليس

لک به علم شامل آن می شود، چون «لما دل علی الاباحه من النقل» که اباحه شرعیه دارد «و علی البرائه من حکم العقل» قبح بلا بیان «و معهما» دلیل نقلی و عقلی بر برائت، «لا مهلكة في اقتحام» و مهلكه ای وجود ندارد که بگوید لا تلقوا بایدیکم الی التهلكة «ولا» با وجود دلیل عقلی و نقلی توتون را اقدام کردیم مقاومت با تقوا ندارد.

«و اما الاخبار» دو دسته هستند «فبما دل علی وجوب التوقف عند الشبهة» اخباری که دلالت بر وجوب توقف دارد «عند الشبهة معللاً فی بعضها» تحلیل آورده شده «بأن الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلكة» یا «فی المهلكة من الاخبار» کثیره دالة علیه مطابقتاً یا اخباری که دلالت دارد «التزاماً». توجه بفرماید اخبار وجود توقف را مثلاً روایتی است از عمر بن حنظله از امام صادق (ع) عبارت معروفه: «ان الامور ثلاثة امر بین الرشد فیتبع و امر بینا الغی فقد یشنع و امر مشکل یرد علمه الی الله و رسوله» یا «حلال بین و حرام بین و شبهات بین ذلک فمن ترک الشبهات نجا من محرمات و من اخذ الشبهات ارتکب محرمات و هلك حيث ما لا يعلم».

در اخر روایات در ذیل آن در عبارت عمر بن حنظله فان الوقوف عند الشبهات خیر من الاقتحام فی الهلکات و این دلالت بر وجوب توقف دارد و دلالت بر وجوب توقف دلالت روشن است و یا در روایت مسعده الزیاد عن جعفر عن آبائه عن النبی (ص) روایت شده که «لا تجامع فی النکاح علی الشبهة» در نکاح شبه ای لا تجامع و بعد دنبال آن دارد «وقف عند شبهه» و تصریح دارد و روایت دیگر دارد: «اذا اشتبه الامر علیکم فقفوا عنده و ردوا الینا حتی نشرلکم من ذلکم شرحنا».

به عنایت اصول یا کتاب رسائل مراجعه کنید روایات زیاد است که به دلالت مطابقیه دلالت دارد بر وجوب توقف یا به دلالت التزامیه دلالت بر وجوب توقف دارد. این یک دسته روایات داله بر وجوب توقف «و بما» دسته دوم است «بما دل علی وجوب الاحتیاط» روایاتی که می گوید احتیاط واجب است، «من اخبار الوارده بألسنة مختلفة» مثلاً روایتی است از عبدالرحمان حجاج «سألت ابالحسن عن رجلین اصبا صیداً» دو مرد هر دو محرم بودند و صید کردند و سوال کرده است که جزا و کفاره هر کدام مستقل بدهند و یا دو تا یکی بدهند کافی است؟ حضرت فرموده است که هر دو باید جداگانه باشد. حضرت فرموده است: «اذا اثبت مثل هذا» اگر به مثل این موارد اصابه کردید یعنی مسئله ای پیش آمد و حکم را نمی دانستید، «فلم تردوا» احتیاط کنید، «حتی تسألوا انتم فتعلموا».

یا روایت معروفه و روایتی که مطلق است از امام علی (ع) خطاب به کمیل، روایت معروفه «اخوک دینک فاحتط لدینک» وجوب احتیاط را می آورد هم در شبهات حکمیه و وجوبه، تحریمیه دلالت بر وجوب احتیاط دارد. این بعضی از روایات عرض کردم که روایات مفصل است مراجعه کنید.

«والجواب انه لا مهلكة في الشبهة البدویه» آنجا که عمل اجمالی نداریم مهلكه نیست «مع دلالت النقل علی الاباحه» ادله نقلیه دلالت بر اباحه دارد و حکم عقل برائت می کند همانطور که دانستید و این از نظر ادله وجوب توقف و روایاتی که بر وجوب احتیاط دلالت دارد «و ما دل علی وجوب الاحتیاط لو سلم» یعنی اگر از نظر دلالت و سند ما بپذیریم «و ان کان واردا علی حکم العقل» ورود بر حکم عقل دارد، «فانه کفی» بیان عقلی «العقوبة علی مخالفة التکلیف المجهول» قاعده قبح بلا بیان موضوعش بلا بیان است و اگر ادله دلالت بر وجوب احتیاط کند این ادله می شود بیان پس کفی در بیان بودن است.

«فانه کفی بیان علی العقوبة» بر مخالفت تکلیف مجهول این و امکان وارد دنبال آن «انه تعارض» که الا ان تعارض نهایی مرحوم آخوند در نسبت اخبار احتیاط و اخباری است که دلالت بر برائت دارند است و در لا بلا این مطلب را بیان می کنند. مرحوم آخوند می فرماید: ادله احتیاط کفایت می کند در اینکه بیان باشد بر عقاب مخالفت تکلیف واقعی مجهول و می فرماید مرحوم شیخ انصاری مطلبی دارد و فرموده است که وجوب احتیاط دو گونه است.

اگر وجوب احتیاط مقدمی باشد یعنی مقدمه باشد برای تحرز مخالفت تکلیف واقعی باز شیخ می فرماید: عقاب بر مخالفت تکلیف واقعی قبیح است و روی این بیان ادله وجوب بر قاعده قبح الی بیان ورود ندارد، شیخ می فرماید: وجوب احتیاط باید ببینیم وجوب مقدمی است یا نفسی و اگر مقدمی باشد به این نتیجه می رسیم بر مخالفت آن تکلیف واقعی عقاب باز قبیح است. قاعده قبح بلا بیان می ماند و اگر احتیاط وجوب لفظی باشد و اگر انسان با وجوب احتیاط مخالفت کرد، عقاب بر مخالفت این تکلیف است و در نتیجه بر مخالفت تکلیف مجهول نیست و به درد ما نمی خورد و آنچه ما دنبال آن هستیم در شرب توتون که نمی دانیم حلال است و حرام و اگر مکلف مرتکب شد و واقعاً هم حرام بود؛ آیا این را عقاب می کنند به خاطر مخالفت تکلیف واقعی و این فرمایش شیخ است و مرحوم آخوند می فرمایند: این حرف درستی نیست و ربطی به مولوی و ارشادی ندارد، مقدمه ارشادی نیست.

مرحوم آخوند در پاسخ می فرمایند: به نظر ما وجوب احتیاط وجوب مقدمی دارد نه نقصی و وجوب مقدمی طریقی است از باب اینکه طریقی حفظ واقع است و اگر کسی احتیاط ندارد و مخالفت با تکلیف واقعی کرد، قبحی ندارد که شارع بر مخالفت تکلیف واقعی عقاب کند و می فرماید بر امارات همینطور است.

یک عبارت می فرماید: نماز جمعه واجب است و روایت که اماره است و با این روایت نسبت به وجوب نماز جمعه در لوح محفوظ علم می یابد خیر بر شما واقع است که معلوم نمی شود و اگر با اماره مخالفت کردید و نخوانید و نماز جمعه واجب باشد شارع می تواند با وجوب واقعی قباحه کند «و لا یصغی الی ما قیل» قائل شیخ انصاری است و ولا یصغی دنبال فانه کافی بیان بر عقوبت و مخالفت مجهول واقعی است و شیخ مخالف است و ایجاب احتیاط اگر مقدمه تحرز از عقاب واقع مجهول باشد «فهو قبیح» عقل می گوید اگر واقع برای شما مجهول باشد، شارع نمی تواند بر واقع شما را عقاب کند و اگر نفسی باشد، «فالعقاب علی مخالفته» و عقاب با مخالفت وجود احتیاط است «و لا علی مخالفة الواقع و ذلک» این ذلک تعلیل برای لا یصغی است چرا نباید به فرمایش مرحوم شیخ توجه شود.

«لما عرفت من ان ایجابیه یکون طریقی» ایجاب آن طریقی است و این وجوب طریقی از وجوب عقل «مما یصح ان یحتج به» احتجاج شود به وجوب طریقی بر مواخذه در مخالفت با شبهه «کما هو الحال» در اوامر طرق و اصول عملیه و در امارات مثالی که عرض کردیم در روایات می گویند نماز جمعه واجب است واقع بر شما معلوم نمی شود و اگر آمدید با این روایت مخالفت کردید و نماز جمعه واجب بود شما را عقاب می کنند بر مخالفت با اصول واقع و اصول عملیه البته مراد از اصول عملیه یعنی استصحاب باقی اصول عملیه طریقی الی الواقع نیست «و ان کان وارد الا انها تعارض» ادله احتیاط و الا می خورد به «ان کان وارد الا انها تعارض» بما هو اخص» اظهر ادله احتیاط معارضه می کند با آنچه اخص است و اظهر است و وجه اخصیت توضیح دارد ان را انشاءالله فردا عرض می کنیم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين